

## جلسه پنجم

۱۴۰۱/۲/۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ﴾<sup>۱</sup>

در ارتباط با بحث تفسیر به بحث سنت آزمایش در قرآن کریم رسیدیم. بحمد الله مباحث متعدد صحبت شده است. به این بحث رسیدیم که یکی از مسائلی که در قرآن کریم مطرح است سنت‌های خداوند متعال است در ارتباط با خلق. روشی که خداوند نسبت به مردم و مکلفین اجرا فرموده است. آن‌هایی که به آن‌ها عقلی داده است، شعوری داده است، اختیاری داده است، یکی از برنامه‌های خدا نسبت به آن‌ها سنت آزمایش و امتحان است. در این مورد آیه‌های مربوطه صحبت شد. به گونه‌های مختلف خداوند متعال فرموده است که ما خلق را، مکلفین را، آن‌هایی که زمینه تکلیف دارند، شرایط تکلیف دارند، امتحان‌شان می‌کنیم. فرموده است به خیر، به شر، به انواع مختلف حوادث، خوبی‌ها، ناراحتی‌ها امتحان می‌کنیم. آیه‌های مربوطه هم حدوداً آنچه مهم به نظر می‌رسید در این بحث قرائت شد.

در اهمیت مسئله امتحان و آزمایش یک حدیثی امروز به عرضتان می‌رسد تا آنچه که به آن رسیدیم در بحث ان شاء الله صحبت بشود. و در این که این مسئله امتحان چه قدر ضرورت دارد. و این سنت سنت قطعیه‌ای هست. همین آیه که فرموده است ﴿خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ﴾ مرگ و زندگی به خاطر همین است که امتحان بشوید، آزمایش بشوید. که خواندیم آیات مربوطه را.

### اهمیت آزمایش در کلام مولی علی (علیه السلام)

خطبه‌ای دارند آقا حضرت امیر (علیه السلام) در نهج البلاغه، و بحار شریف جلد ۱۴ صفحه ۴۶۵ از نهج البلاغه نقل کردند که «وَلَوْ أَرَادَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ مِنْ نُورٍ يَخْطَفُ الْأَبْصَارَ ضِيَاؤُهُ» مضمون این جملات این است که مسئله آزمایش یک مسئله جدی است نسبت به آن‌ها که شرایط تکلیف را دارند. حالا انسان‌ها، فرشته‌ها، در ارتباط با آن‌هایی که شرایط تکلیف برای آن‌ها هست، به نسبت‌های مختلف. می‌فرماید که خداوند متعال می‌شد که حضرت آدم (علیه السلام) را از نوری خلق کند پر جلوه، گیرا، کاملاً فوق العاده جالب و جاذب که وقتی به فرشته‌ها و همگانی که مأمور به سجده شدند، فرمود سجده کنید، می

دیدند این موجود مخلوق با این عظمت نمی شود که سجده نکرد، باید سجده کنند و سجده می کردند. ولی از گلی درست کرد، از خاکی درست کرد که شیطان حرف بزند. و هر کس که در او یک مرض روحی است، او بروز پیدا کند. وضعیت باطن شان روشن بشود، امتحان بشوند. از گلی که چنین و چنان درست کرد حضرت آدم را به خاطر چه؟ به خاطر این که مسئله آزمایش عملی بشود. اگر چنین نمی کرد و از نوری کذا و کذا که گفتم خلق می فرمود، همگان یعنی شیطان هم چاره ای نداشت و حرفی نمی گفت و سجده می کرد. ولی برای این که امتحان عملی بشود، از آنچه که این ها حقیقتش را نمی دانستند، بلکه به ظاهر هم از گلی، از خاکی خلق کرده است، خلق فرمود برای این که امتحان عملی بشود.

عبارت بسیار فوق العاده است. «وَلَوْ أَرَادَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ مِنْ نُورٍ يَخْتَفُ الْأَبْصَارَ ضِيَاؤُهُ» اگر آدم را از نوری خلق می کرد که آن نور چشم ها را خیره می کرد، «وَيَبْهَرُ الْعُقُولَ رُؤُؤُهُ» حسن آن نور عقول را به حیرت می افکند، «وَوَطِيبٌ يَأْخُذُ الْأَنْفَاسَ عَرْفُهُ لَفَعَلٌ» و از حقیقتی خلق می کرد، نوری خلق می کرد که نورش چشم ها را خیره می کرد، عقل ها را حیران می کرد، و بوی خوشش به نفس ها می رسید، و نفس ها بوی خوش او را می گرفتند، -بیان هایی که مرحوم علامه مجلسی دارند در هر جهتی هم معنای لغوی هم در جهات مختلف فوق العاده است که فرمودند «وَالْعَرَفُ بِالْفَتْحِ الرِّيحُ الطَّيِّبَةُ» - آن چنان این موجود را خلق می کرد که بوی خوشی می داشت که با آن بوی خوش همه نفس ها آن بوی خوش را می گرفتند و متوجه می شدند، می توانست هم چنین کاری خدا بکند. «لَفَعَلٌ».

«وَلَوْ فَعَلٌ» اگر این کار را می کرد، امتحان جدی نمی شد. همه تسلیم می شدند. همه سجده می کردند. شیطان سجده می کرد. «وَلَوْ فَعَلٌ لَطَلَّتْ لَهُ الْأَعْنَاقُ خَاضِعَةً وَخَلَفَتِ الْبُلُوبُ فِيهِ عَلَى الْمَلَأَيْكَةِ» امتحان خیلی امتحان سبکی می شد. امتحان امتحان جدی کذایی نمی شد. به خاطر این که امتحان جدی بشود، و باطن افراد روشن گردد، خداوند از چنین نور کذایی حضرت آدم را خلق نکرد. «وَلَكِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَبْتَلِي خَلْقَهُ بَعْضُ مَا يَجْهَلُونَ أَصْلَهُ» خلقش را به بعضی از چیزهایی که نمی فهمند، از نظر ظاهر به نظر خودشان مناسب نمی رسد، این از خاک است و من از آتش، من بر او سجده کنم! و زمینه اشکال کردن و ان قلت و بروز عدم تسلیم حقیقی پیش بیاید، می توانستیم این کار را بکنیم، ولی این کار را عملی نمی شد. «تَمَيِّزاً بِالِاخْتِيَارِ هُمْ» تا این که امتحان بشوند. «وَوَفِيًّا لِلْاِسْتِكْبَارِ عَنْهُمْ وَابْعَاداً لِلْخِيَلَاءِ مِنْهُمْ» تا این که افراد امتحان بشوند و معلوم بشود که متکبر واقعی کیست، و آن که تسلیم نیست کیست. و آن هایی که تسلیم

هستند چه کسانی هستند.

پس مسئله امتحان و آزمایش این قدر مسئله حساس و مهمی است که در این حد خداوند متعال برنامه ریزی کرده برای مسئله آزمایش و امتحان.

### آیه صد و هفتاد و نه سوره آل عمران

و در ارتباط با این مسئله آیه شریفه‌ای هم که به نظر رسید که بسیار مهم است آیه شریفه ۱۷۹ سوره مبارکه آل عمران. «مَا كَانَ اللَّهُ لِيُدْرِيَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ»<sup>۱</sup>.

تا وقتی که خبیث و طیب را که مسئله اختیار است، آن کسی که به اختیار خودش در جهت خلاف حرکت می‌کند، و آن که به اختیار خودش در جهت خیر حرکت می‌کند، تا این‌ها از هم جدا نشوند ما خلق را رها نمی‌کنیم. «مَا كَانَ اللَّهُ لِيُدْرِيَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ» تا این که چه؟ «حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ» که خبیث و طیب نه این که ما خبیث خلق کردیم و ما طیب خلق کردیم بالا جبار، حالا می‌خواهیم جدا کنیم؛ آن که همه‌اش مربوط به خدا می‌شود و همه چیز به تعبیر ساده عرفی به گردن خدا می‌افتد.

نه، مختار خلق کردیم ولی به این اختیاری که دادیم به افراد انتخاب خیر و شر با خودشان هست. و نمی‌شود گفت چرا انتخاب خیر می‌کند، چرا انتخاب شر می‌کند. چون اگر یک علت دیگر داشته باشد که اختیار نیست. خلف فرض می‌شود. فرض این است که تملیک فرموده است اختیار را و مجبوریم که مختار باشیم، بالا جبار مختار هستیم. البته اگر بخواهد بگیرد اختیار را، هو املک و می‌گیرد. ولی تملیک اختیار کرده است. حالا برای این که این اختیار که تملیک کرده، خوب و بد در انتخاب‌شان که مختار هستند از هم جدا بشوند، ما رها نمی‌کنیم خلق را.

روایات هم فراوان در این زمینه هست. و بالنتیجه مسئله آزمایش مسئله‌ای است بسیار مهم. آن وقت مسئله مهمی که باید ان شاء الله تعقیب بشود و صحبتش را بکنیم در جلسات آینده این است که اصلش را در آخرین جلسه خاطر می‌آید مطرح کردیم. اجمالاً هم جوابی که در حدیث بوده گفته شده، باز نشده است. و آن این است که خداوند متعال که می‌داند خبیث کیست، طیب کیست. او که عالم است چرا امتحان کند؟ امتحان او برای چیست؟ ما امتحان کنیم افراد را یا خودمان را چون نمی‌دانیم چیزی را امتحان می‌کنیم او که می‌داند چرا امتحان کند؟ اجمالاً در حدیث گفته شد که به خاطر بروز اعمال، که بر اثر بروز اعمال، ثواب و عقاب مترتب می‌شود. که گفتیم باید باز بشود. باید بحث بشود. که ان شاء الله

بحثش خواهد شد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ